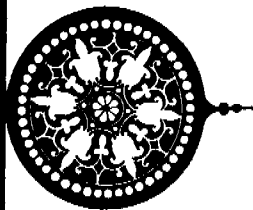


کتابهای خارجی



محمد فشارکی

منطق الطیر در زبان انگلیسی

کتاب *The conference of the birds* ترجمه انگلیسی منطق الطیر عطار است که توسط *Nott* از متن ترجمه فرانسوی *De Tassy* زبان انگلیسی برگردانده شده است. گارسن دتاسی کتاب منطق الطیر عطار را از روی نسخه فارسی آن و با مقابله با ترجمه‌های عربی و هندی و ترکی زبان فرانسه ترجمه کرده است. این ترجمه در سال ۱۸۶۲ در پاریس انتشار یافت. مترجم انگلیسی کتاب بنا باظهار خود، ترجمه دتاسی را متن قرار داده و با یک متن فارسی از منطق الطیر که از یک عارف ایرانی بامانت گرفته بوده، بانضمام سه ترجمه ناقص انگلیسی دیگر ازین کتاب، مقابله کرده است.

ترجمه فرانسوی دتاسی بنا باظهار مترجم انگلیسی، ترجمه کاملی است از منطق الطیر شیخ عطار نیشابوری (متوفی ۶۱۸ هـ). نیز بنا باظهار این مترجم، ترجمه انگلیسی این کتاب نخستین ترجمه کامل و تمامی است از منطق الطیر عطار در زبان انگلیسی و شاید بخاطر مقابله‌هایی که با ترجمه‌های ناقص انگلیسی دیگر و نیز متن فارسی منطق الطیر در آن صورت گرفته، منقح‌تر و دقیق‌تر از ترجمه فرانسوی دتاسی نیز باشد.

بنا باظهار مترجم انگلیسی، بعضی از ابیات کتاب بخاطر تکراری بودن مضامین و نیز بخاطر رعایت ایجاز و اختصار، بانگلیسی ترجمه نشده است. ولی رویهم‌رفته میتوان گفت کاملترین ترجمه‌ایست از منطق الطیر عطار که تاکنون در زبان انگلیسی پدید آمده است. این ترجمه بیشتر یک ترجمه مفهومی است تا ترجمه تحت‌اللفظی و البته ازین نقطه نظر نمیتوان به مترجم ایرادی گرفت. ولی پوشیده نماند که ترجمه مفهومی باین معنا نیست که مثلاً "سه بیت عطار بدو سه جمله که لب مطالب و مضامین آن سه بیت است، ترجمه شود.

در ترجمه^۱ نات این نقیصه فراوان دیده میشود. ولی جز در موارد معدود متعرض آنها در نقد نشده و بیشتر به مواردی تکیه کرده‌ایم که ترجمه^۲ غلط و یا نارسائی از مفهوم اصلی بوده است. در بعضی جاها نات واقعا^۳ دقیق ترجمه کرده بطوریکه خواننده بدرک و ذوق ادبی و عرفانی و زبانی مترجم ادعان میکند. ولی در بعضی موارد دیگر نیز چنان اشتباهات چشمگیری مرتکب شده که گه‌گاه باید نسبت باین اظهار نظر نسبت به مترجم تجدیدنظری کرد.

ترجمه^۴ انگلیسی نات مقبولیت زیادی در بین انگلیسی‌زبانان پیدا کرده بطوریکه در طول ده سال شش بار بچاپ مجدد رسیده است. نخستین چاپ و انتشار بلافاصله پس از ترجمه در سال ۱۹۵۴ در لندن صورت گرفته و بعد از آن بترتیب در سالهای ۱۹۶۱ و ۶۴ و ۶۷ و ۶۹ و ۷۱ و ۷۴، مجددا^۵ بچاپ و انتشار رسیده است. آخرین بار توسط شرکت ناشرین Low, Bryotone انگلستان بچاپ رسیده است.

این کتاب شامل مؤخره‌ایست که مترجم خطاب بعطار مطالبی گفته است و بعد از آن یادداشتهایی است پیرامون مفهوم تصوف و صوفی و در آخر کتاب فرهنگ لغات و اصطلاحات تصوف مندرج در متن آمده است. نخستین قسمت نعت یعنی نعت باری تعالی ترجمه شده ولی قسمت دوم نعت یعنی نعت رسول و خلفای راشدین و بعضی حکایات مربوط باین قسمت در ترجمه حذف شده است. هم‌چنانکه در متن هندی نیز نیامده و در متن ترکی نیز خلاصه شده است. ترجمه از قسمت اول نعت باری تعالی شروع میشود و پس از حذف قسمت دوم نعت از آغاز کتاب که با بیت زیر آغاز شده:

مرحبا ای هدهد هادی شده در حقیقت بیک هرودی شده

شروع میگردد. تصاویر مرغان بر اساس تصاویر یک نسخه^۶ خطی قدیمی از منطق الطیر توسط خام Adamson ترسیم شده است.

اینک به بعضی اشکالات و نارسائیهای این ترجمه از آغاز کتاب تا داستان شیخ صنعان دیلا^۷ اشاره میشود. مأخذ اشعار فارسی، منطق الطیر تصحیح دکتر گوهرین است. ص ۱۵ س ۱۸ در ترجمه:

درگذر از گل که گل هر نوبهار بر تو می‌خندد نه در تو شرم دار (ص ۴۳)
میگوید: گل را بیخس و از خود شرم کن زیرا گل هر نوبهار بر تو می‌خندد و بعد از آن دیگر نمی‌خندد. "درگذر" یعنی رها کن و بگذر نه بیخس، مترجم آنرا به معنای بیخسیدن و عفو کردن گرفته و ضمنا^۸ بر تو می‌خندد نه در تو را نفهمیده و (نه در تو) را ترجمه نکرده است.

Forsake the rose and blush for yourself:for she
laughs at you with each new spring and then she
smiles no more.

ص ۱۵ س ۲۳ در ترجمه:

فتنه را بیداری بیوست بود زانکه چشم نیم خوابش مست بود (ص ۴۳)
چنین آورده: شور و اشتیاق زیاد بواسطه چشمان خواب آلود او و بواسطه مستی
شیرین حضور او بیدار شده بود.

passion was awakened by her sleepy eyes and by the
sweet intoxication for her presence.

مترجم فتنه را به معنی شور و اشتیاق فراوان گرفته و حال آنکه فتنه به معنی فتنه‌گری و
آشوب است.

ص ۱۵ س ۲۵ در ترجمه:

عارض از کافور زلف از مشک داشت لعل سیراب از لبش لب خشک داشت (ص ۴۳)
میگوید: از رشک لب او، لعل از بهترین آب خشک شد.

jealousy of her lips dried up a ruly of the finest water

ص ۱۵ س ۲۸ در ترجمه:

از قضا میرفت درویشی اسیر چشم افتادش بر آن ماه منیر (ص ۴۴)
(از قضا) را بخواست سرنوشت ترجمه کرده است و حال آنکه بهتر بود اتفاقاً ترجمه کند.
بجای ترکیب by the will of destiny بهتر بود by chance می‌آورد.

ص ۱۶ س ۱۷ در ترجمه بیت:

بر سر و روی تو خندیدن رواست لبیک در روی تو خندیدن خطاست (ص ۴۴)
چنین آورده: دختر پاسخ داد که من از روی دلسوزی بتو خندیدم و این خنده رواست
نه از روی مسخرگی که روا نیست

I am permitted to smile from pity, but not from mockery.

و حال آنکه "بر کسی خندیدن" به معنی مسخره کردن و در روی کسی خندیدن به
معنی تشویق و تحسین است ولی مترجم درست بعکس ترجمه کرده است.

ص ۱۷ س ۱۷ جانان در بیت زیر:

من در آنم تا بگویم ترک جان زانکه بی جانان ندارم برگ آن (ص ۴۶)
"دوستان" ترجمه شده. و حال آنکه به معنای معشوق است نه در معنای جمع جان و دوست.

I am without friends and do not know how to support myself

ص ۱۷ س ۲۶ چینیان را در شعر زیر:

گفت تا نقاش غمیم نقش بست چینیان را شد قلم انگشت دست (ص ۴۶)

"چینیان" خوانده و ترجمه کرده است. ضمناً انگشت قلم شدن را که بمعنی دست شکستن و عاجز آمدن است نفهمیده و "قلم موی جن" بدست گرفتن، ترجمه کرده است.

The painter of the world, he said, to fashion me took in his hand the brush of the ginn.

ص ۱۹ س ۱۶ "قله" را در بیت زیر:

آنکه باشد قله آبش تمام کی تواند یافت از سیمرغ کام (ص ۴۸)

که بمعنی یک پیمانه آب است، رویه و سر چیزی ترجمه کرده و با قله کوه اشتباه گرفته.

How can one such as I, contented with the surface of the water....?

ص ۱۹ س ۲۵ جمله "آبت ببرد" را که بمعنی آبروی ترا برد، در بیت زیر:

در میان آب خوش آبت ببرد قطره‌ای آب آمد و آبت برد (۴۸)

اشتباهها" به "ترا از بین برد" ترجمه کرده است.

But a wave comes and you are swept away.

ص ۱۹ س ۲۱ "ناشسته روی" را در دو بیت زیر:

آب هست از بهر هر ناشسته روی گر تو بس ناشسته رویی آب جوی

چند باشد همچو آب روشنست روی هر ناشسته رویی دیدنت (۴۸)

به "پاکیزه روی" ترجمه کرده، نمیدانم از کجا این اشتباه او را دست داده و آیا در نسخه، بخصوصی چنین بوده؟ بهر حال دو بیت مزبور را چنین ترجمه کرده است.

Water is good only for those who have a fair countenance and a clean face. If you are such, it is well, but how long will you stay clean and pure as the water?

میگوید: آب برای پاکیزه رویانست، اگر تو چینی، آب برای تو خوب است ولی تا

کی میخواهی پاک و صاف چون آب بمانی؟ که هیچ تناسبی با مفهوم شعر عطار ندارد و درست مخالف آنست.

ص ۱۹ س ۲۵، "دیوانه" را در بیت زیر:

کرد از دیوانه‌ای مردی سوهال کین دوعالم چیست با چندین خیال (۴۲)

به "احمق مقدس" ترجمه کرده: saintly fool

مصراع دوم بیت را چنین ترجمه کرده: این دو جهانی که همیشه افکار ما را مشغول کرده
جست؟

What are the two worlds which always occupy our thoughts?

و حال آنکه منظور صور خیالی و غیر اصیل عالم محسوس است که به اعتقاد حکماء،
افلاطونی، خیالی بیش نیست و اصل آنها در عالم مثل است.

ص ۲۵ س ۳ بیت زیر را:

هیچ چیزی نیست ز آهن سخت تر هم بنا بر آب دارد درنگسـر (ص ۴۹)

چنین ترجمه کرده: هیچ چیز از آهن سخت تر نیست، معهذا آهنم میدانند که آب اصل

Nothing is forder then tron,yet it knows that water is
it's origin.

و حال آنکه منظور این نیست که آب اصل آهن است، بلکه منظور اینست که بنای همه چیز
حتی آهن بر آب است. و معلوم است که آب اصل آهن نمیتواند باشد.

ص ۲۵ س ۱۱ و ۱۰ بیت زیر را:

گاه می بریید بی تیغی کمر گاه می گنجد پیش تیغ در (۴۹)

چنین ترجمه کرده: کیک با سر درخشان گردنده خود پرواز میکند، در حالیکه کمر بند و
شمشیر خود را حمل مینمود.

She flies with lightly – turning head, carrying her
belt and sword.

مترجم تیغ و کمر را در بیت فوق که بمعنی تیغ کوه و کمر کوه است و منظور اینست که کیک
در تیغ و کمر کوه می خوابید، بمعنی تیغ و کمر آدمی گرفته است.

ص ۲۵ س ۱۲. بیت زیر را

گفت من پیوسته در کاں گشته ام بر سر گوهر فراوان گشته ام (۴۹)

چنین ترجمه کرده: گفت من دوست میدارم در میان خرابه ها سرگردان باشم زیرا

علاقه به سنگهای قیمتی دارم.

I like wander among ruins for I love precious stones.

ص ۲۵ س ۲۴ در ترجمه بیت زیر:

چون بود در تیغ گوهر بردوام زان گهر در تیغ می جویم مدام (ص ۵۰)

چنین بگوید: من با کمر و تیغ خودم پیوسته در جستجوی جواهرات هستم.

With my belt and my sword I am always seeking the diamond.

و حال آنکه منظور اینست که چون گوهر همیشه در تیغ کوه وجود دارد از آنرو من پیوسته گوهر را در تیغ کوه جستجو میکنم. مترجم معنی صحیح تیغ را در شعر فوق نفهمیده و تیغ برنده تفسیر کرده است.

ص ۲۳ س ۱۸ در ترجمه بیت:

سینه میکرد از سپهداری خویش لاف میزد از کله‌داری خویش
چنین آورده: باز آید با سری افراخته و در کسوت سراری.

...With head erect and the bearing of a *Soldier*

و حال آنکه منظور اینست که باز با غرور هر چه تمامتر که حاکی از سروری و سپهداری بود وارد شد.

ص ۲۳ س ۲۲ در ترجمه بیت:

در ادب خود را بسی پرورده‌ام همچو مرتاضان ریاضت کرده‌ام (۵۳)
مرتاضان را بمعنی "توبه کاران و پشیمانان" گرفته است. (penitent)

ص ۲۴ س ۱ در ترجمه بیت زیر:

من کجا سیمرغ را بینم بخواب چون کنم بیهوده روی او شتاب (۵۳)
"از کجا" را "چرا" معنی کرده و بیهوده را "بی توجه".

Why should I rush headlessly to him.

ص ۲۹ س ۱۸ در ترجمه بیت زیر:

هر که عنقار است از جان خواستار چنگ از جان بازدارد مردوار (ص ۶۰)
آورده: هر کسی سیمرغ را بر جانش ترجیح میدهد، شجاعانه با خود مبارزه میکند.

He who prefers the simurgh to his own life, must
struggle bravely with himself.

و حال آنکه منظور اینست که هر کسی سیمرغ را از صمیم دل خواستار باشد مردانه از جان خود دست می‌شوید.



درگذشت فرزند مایه ناسف و ناسترت. مجله آینده این ضایعه را به خواهران سوگوارش - مخصوصاً خانم پریمرز (همسر مرحوم سعید نفیسی) و آقای سید محمدعلی جمالزاده دانشی فرزند تسلیم می‌گوید و بمناسبت مقام ادبی و پایه بلند شعری او اوراقی چند ازین شماره به او اختصاص می‌یابد.